



مباحله سندی بر حقانیت اهل بیت / امیرالمومنین نفس پیامبر است

مراد از «ابناءنا» در آیه مباحله، حسن و حسین(ع) و منظور از «نساءنا» فاطمه(س) و منظور از «انفسنا» امیرالمؤمنین(ع) است، این، خصوصیت و امتیازی است که احدی از امت بر آن ها مقدم نیست.

مراد از «ابناءنا»؛ در آیه مباحله، حسن و حسین(ع) و منظور از «نساءنا»؛ فاطمه(س) و منظور از «انفسنا»؛ امیرالمؤمنین(ع) است، این، خصوصیت و امتیازی است که احدی از امت بر آن ها مقدم نیست.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: از روزی که رسول گرامی اسلام به عنوان آخرین مبشر و رساننده پیام الهی برگزیده شد، دشمنان دین مبین اسلام از قریش مکه گرفته تا یهودیان و مسیحیان و دیگر گروه ها و جریان ها با سرسختی در برابر حضرت صف آرای پی کردند که حضرت در انجام رسالت خود موفق نشود. ولی موقع شناسی و تصمیم گیری های مناسب حضرت در کنار مودت ها و یاری گری های خدای سیحان، راه دشوار را بر رسول خدا آسان ساخت و توانست رسالت خود را به بهترین نحو ممکن انجام دهد. یکی از دشواری های حضرت در این مسیر، مقابله و مواجهه با افراد لجوج و متعصب بود که با هیچ استدلال عقلی و نقل تن به پذیرش سخن حق نمیدادند. در چنین شرایطی، یکی از مهم ترین راهکارها، مباحله است. مهم ترین مباحله حضرت رسول در دوران رسالت، با مسیحیان نجران صورت گرفت که در یکی از آیه های قرآن به این ماجرا اشاره شده و آن آیه به نام «آیه مباحله» معروف است. این واقع در حقیقت یکی از رویدادهای تاریخی است که در آن حقانیت اسلام و پیامبر گرامی اسلام و اهل بیت گرامیش در آنروز به اثبات رسیده است.

شان نزول آیه مباحله

مباحله در لغت از ریشه «بهل»؛ به معنای التماس کردن در دعاست[۱]. و در اصطلاح عبارت است از این که افرادی که درباره یک مسئله مذهبی اختلاف دارند (به گونه ای که گروهی از آن ها مدعی حق و گروه دیگر آن ها را تکذیب می کنند) در یک جا جمع شوند و به درگاه خدا تضرع کنند و از او بخواهند که دروغگو را رسوا سازد و مجازات کند[۲].

بر اساس آیه ۶۱ سوره آل عمران خداوند می فرماید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»؛ هرگاه بعد از علم و دانشی که به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجه و ستیز برخیزند، به آنها بگو: بیاید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را؛ ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را؛ ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود؛ آنگاه مباحله کنیم؛ و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم».

درباره شان نزول این آیه مفسران نوشته اند که مسیحیان نجران برای بحث و گفتگو درباره حقانیت دین اسلام و رسالت پیامبر به مدینه رفتند. مدتی در مدینه بودند تا اینکه بواسطه امیرالمومنین(ع) زمینه ملاقات آنها با پیامبر اسلام مهیا شد. میان اسقف بزرگ مسیحیان نجران و حضرت درباره الوهیت حضرت عیسی بحث در گرفت. آنها رای دین اسلام را درباره بنده بودن حضرت عیسی قبول نکردند تا اینکه خداوند آیه ۵۹، سوره آل عمران را فرستاد که فرمود: «در واقع مثل عیسی نزد خدا، همچون مثل [خلقت] آدم است که او را از خاک آفرید، سپس به او گفت: «بأش» پس وجود یافت». مسیحیان نجران همچنان نفی الوهیت از حضرت مسیح را نپذیرفتند. حضرت در نهایت براساس وحی، آن ها را به مباحله دعوت کردند تا تکلیف را خود خداوند برای همگان مشخص سازد و پرده از روی دروغگو بردارد. صبح روز بعد به طرف رسول خدا(ص) روانه شدند. دیدند که وقتی مسیحیان فهمیدند حضرت با چه کسانی برای مباحله آمده، دچار وحشت شدند و ازسوی دیگر آثار عذاب نیز ظاهر شد و سپس نجرانیان پشیمانی خود را از پیشنهاد مباحله اعلام کردند. در این مرحله جبرئیل نازل شد و پیام آورد که اگر نجرانیان مباحله می کردند خودشان و اهل نجران و همه مسیحیان از بین می رفتند و آنچه داشتند درآتش غضب الهی می سوخت. در نهایت اینکه مسیحیان به حضرت گفتند: ما حاضریم تو را راضی کنیم، ما را از مباحله معاف بدار. حضرت با آنها به جزیه مصالحه کردند و نصارا برگشتند.[۳]

این جریان خود سندی گویا و مهم بر حقانیت دین مبین اسلام، حقانیت رسالت نبی گرامی اسلام و سندی محکم بر اثبات حقانیت قرابت حسنین به رسول خدا و وصایت و جانشینی امیرالمومنین(ع) است که در ادامه مورد بحث و بررسی

الف. اثبات اصالت و سلامت دین در جریان مباحله

دشمنان اسلام همواره با وارد کردن شبهات و موضوعات غیر واقع درصدد صدمه زدن به ساحت دین مقدس اسلام بودند. ولی گویا فراموش کرده بودند که خداوند دین اسلام را بالاترین دین می داند و وعده داده است که از منشور اصلی آن یعنی قرآن محافظت خواهد کرد. از اینرو پذیرش مباحله سندی محکم بر اثبات حقانیت جریانی بود که پیروز می شد و رسوایی سختی بود بر جریانی که در مباحله شکست می خورد. از اینرو پیامبر اسلام با ایمان قلبی راسخ به حقانیت اسلام و خواست الهی بر اساس پیام وحی، درخواست مباحله کرد. حال ممکن است این سؤال مطرح شود که اگر رسول خدا به ادعای خویش کاملاً ایمان داشت و چنان چه دعا می کرد قطعاً به اجابت می رسید، پس چرا زنان و فرزندان را به همراه خود آورده بود؟ بنا به نظر علامه طباطبایی (ره) دعوت زنان و فرزندان دلالت می کند که دعوت کننده به مباحله به درستی ادعای خود اطمینان دارد؛ زیرا خدای تعالی، محبت به زن و فرزند و شفقت بر آنها را در دل هرکسی قرار داده است. به طوری که هر انسانی حاضر است با مایه گذاشتن از جان خود آنها را از خطر حفظ کند، ولی حاضر نیست برای حفظ جان خود آنها را به خطر بیندازد. وقتی کسی زن و بچه خود را، با همه محبتی که نسبت به آنها دارند، در معرض نگرین قرار می دهد، طرف مقابل نتیجه می گیرد که در درستی و حق بودن اعتقاد خود ایمان کامل دارد و این که در آیه، زنان، فرزندان و انفس را با یک لفظ به شکل دسته جمعی ذکر نکرده، خود دلیل دیگری است بر این که پیشنهادکننده سخت به دعوت خود ایمان دارد [۴].

به همین خاطر است که وقتی روز مباحله فرا رسید و اسقف بزرگ مسیحیان نجران دید رسول خدا به همراه نزدیکترین کسانش در مباحله حاضر شده است، دیگر مسیحیان همراه خود را مخاطب ساخته و گفت: «ای گروه نصارا! من به یقین چهره هایی می بینم که اگر از خدا درخواست کنند کوهی را از جای بکنند، می کند. مبدا مباحله کنید که هلاک می شوید و تا روز قیامت حتی یک نفر نصرانی روی زمین باقی نمی ماند» [۵].

ب. مباحله سند عظمت و فضیلت اهل بیت (ع)

گزاره ها تاریخی، روایی و حدیثی بی شماری از فرق اسلامی در خصوص عظمت و فضیلت اهل بیت (ع) وجود دارد که یکی از مهمترین آنها، آیه مباحله است. بیشتر مفسران و محدثان شیعه و حتی اهل تسنن تصریح کرده اند که آیه مباحله در حق اهل بیت پیامبر (ص) نازل شده است و پیامبر تنها، فرزندان حسن و حسین (ع) و دخترش فاطمه (س) و دامادش حضرت علی (ع) را به همراه خود به میعادگاه بردند. با توجه به روایات وارد شده و اهمیت موضوع مباحله ناگفته پیداست که حضور اهل بیت در میدان مباحله، سند زنده ای بر عظمت و فضیلت آن هاست.

در این خصوص روایات بی شماری از ائمه معصومین وارد شده است. در یکی از این موارد از علی بن موسی الرضا (ع) روایت شده است که مراد از «ابناءنا» و «انفسنا» منظور از «نساءنا» و «انفسنا» (س) و منظور از «ابناءنا» و «انفسنا» (ع) است، این، خصوصیت و امتیازی است که احدی از امت بر آن ها مقدم نیست و فضیلتی است که احدی از بشر در این فضیلت و شرف به آنها نمی رسد و کسی از مردم در آن فضیلت از آن ها سبقت نمی گیرد. [۶] نکته بسیار جالبتر این است که زمخشری از بزرگان اهل تسنن نیز معتقد است که آیه مباحله قوی ترین دلیل بر اثبات فضیلت اهل بیت (ع) است. [۷]

ج. تثبیت اعتقاد شیعه مبنی بر منصوب شدن امام از جانب خدا و پیامبر اسلام

بزرگان شیعه در حوزه کلام و فقه و بسیاری از مورخان و علمای شیعی دلایل بسیار عقلی و نقلی و روایی و حدیثی را برای اثبات وصایت و جانشینی امیرالمومنین و انتخاب حضرت از سوی خدای سبحان و معرفی ایشان از سوی رسول خدا بیان می دارند. یکی دیگر از مصادیق اثبات این حقانیت آیه مباحله است. در روایات تصریح شده است که حضرت علی در این آیه به عنوان جان پیامبر معرفی شده است. این امر به شکل واضح گواه بر فضیلت امیرالمومنین است. چرا که وقتی انسان از کسی به عنوان جان خود یاد می کند، نشان دهنده نهایت عشق و محبت او به طرف مقابل و قرابت آن دو به یکدیگر است. هم چنین خداوند از تنها کسی که در کتاب خویش به عنوان جان پیامبر یاد کرده، امیرالمومنین است. این نشان می دهد که این فضیلت مخصوص ایشان است. حال در ساحت دیگر، بسیاری از علما، بزرگان و مورخان اهل تسنن نیز در دلالت «انفسنا» بر حضرت علی (ع) با بزرگان شیعه، هم عقیده هستند.

د. آیه مباحله، سند معتبر بر انتساب حسنین به پیامبر

این آیه و جریان مباحله سندی دیگر بر قرابت نسبی و تداوم نسل رسول گرامی اسلامی از حسنین و خط باطلانی بر پندارکسانی هست که ادامه نسل را تنها از طریق فرزند پسر می دانند و یا این که تنها فرزندان پسر را فرزندان خود می دانند. البته خداوند در این خصوص در فرصت های دیگری نیز با کسانی که درباره تداوم نسل رسول خدا سخنان بیهوده گفته بودند، برخورد کرده بود چنانکه وقتی ، عاص بن وائل در هنگام تولد زهرا مرضیه(س) حضرت را مقطوع النسل خواند و خداوند سوره کوثر را نازل کرد و این طرز تفکر را به شدت درهم کوبید. و وعده داد که آنها خود دم بریده هستند و در آینده نه چندان دوره وعده الهی در مورد آنها محقق شد.

در روایتی از موسی بن جعفر(ع) نقل شده که فردی به ایشان گفت: چگونه می گوئید ما ذریه رسول خدائیم، درحالی که ایشان پسری نداشتند و نسل هر انسانی فقط از طریق فرزند پسر باقی می ماند، حال آن که شما فرزند دخترید؟ حضرت در جواب او به آیاتی از قرآن استناد می ورزند که یکی از آن ها آیه مباحله است. ایشان می فرمایند: تأویل کلام خدای تعالی از «ابناءنا»؛ در این آیه امام حسن و امام حسین(ع) است. [۸] یعنی با وجود این که حسنین فرزندان دختر رسول خدا(ص) بودند ولی در آیه به عنوان فرزندان خود حضرت معرفی شده اند و این انتساب حتی شامل فرزندان امام حسین که امامان معصوم هستند، شده است.

بر اساس آنچه گفته شد، آیه مباحله و مباحله با مسیحیان نجران، فرصتی بود که بار دیگر خداوند حقانیت دین خود را نشان دهد و در سوی دیگر سندی محکم بر حقانیت وصایت و جانشینی امیرالمومنین، قرابت و تداوم نسل رسول خدا در حسنین(ع) باشد.

پی نوشت ها:

[۱] - حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۳۷۵

[۲] - ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۵۷۸

[۳] - علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۰۴

[۴] - علامه طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۴۴

[۵] - هاشم حسینی بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۶۳۸

[۶] - محمد بن بابویه قمی، عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۱، ص ۸۱، ۸۰

[۷] - محمود بن عمر زمخشری، تفسیر الکشاف، ج ۱، ص ۳۷۰

[۸] - محمد بن بابویه قمی، عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۱، ص ۸۱، ۸۰